

تعیین حداقل دستمزد و آثار آن

افزایش دستمزد را با بهره‌وری همراه کنید

تحلیلی از دکتر علی‌الله همدانی، صاحب‌نظر بازار کار و اشتغال نیروی انسانی کشور

موضوع تعیین حداقل دستمزد کارگران در جهان به بیش از یک قرن گذشته باز می‌گردد و هدف آن، حفظ معیشت کارگران و تعیین حداقل معاش و سرانجام، ایجاد نظام مشخصی برای مزد و حقوق می‌باشد. در بسیاری از کشورها یکی از سیاست‌های اقتصادی دولت‌ها تعیین دستمزدها است. البته از آنجا که طبق تئوری‌های اقتصادی، غالباً سعی بر این است دولت‌ها از دخالت در امور اقتصادی برحذر باشند، در بسیاری از کشورها از دخالت در تعیین حداقل دستمزدها خودداری می‌نمایند.

در بعضی از کشورها این امر به توافق تشکل‌های کارفرمایی و کارگری و در برخی دیگر به هیأت‌های سه جانبه مرکب از نمایندگان کارفرمایان، کارگران و دولت واگذار شده است. بدین طریق، با اتخاذ سیاست‌های جدید، نقش دولت در زمینه تعیین دستمزدها کاهش می‌یابد. البته به ندرت، علاوه بر تعیین حداقل مزد، سایر سطوح مزدی یعنی دستمزدهای بالاتر از حداقل مزد برای کارگران با سابقه بیشتر مدنظر تصمیم‌گیران قرار می‌گیرد. این موضوع در بیشتر موارد به اتحادیه‌های کارگری واگذار شده است.

در کشور ما، تعیین حداقل دستمزدها به سال ۱۳۲۵ باز می‌گردد. در این سال، برای اولین بار، موضوع مربوط دستمزدها مورد توجه قرار گرفت. در حال حاضر، به موجب ماده ۴۱ قانون کار، تعیین حداقل مزد به شورای عالی کار و شورای سه جانبه کارفرما - کارگر - دولت سپرده شده است. در این بحث، ابتدا به مسایل مختلف مربوط به تعیین حداقل دستمزد بحث‌های مختلفی را می‌طلبید و آثار و نتایج متفاوتی در اقتصاد

۳) با توجه به وضعیت اشتغال در کشورها، افزایش حداقل دستمزد و سایر سطوح دستمزدی بر اشتغال جوانان تأثیر می‌گذارد و کارفرمایان سعی می‌کنند از اشتغال جدید خودداری نمایند.

۴) افزایش هزینه‌های تولید موجب تأثیر منفی بر محصول ناخالص ملی (GNP) گردیده و سرانجام، آثار سوء بر رشد اقتصادی خواهد داشت.

۵) افزایش حداقل دستمزد و سایر سطوح دستمزدی موجب افزایش قدرت خرید کارگران گردیده و در نتیجه، رونق بازار را در پی خواهد داشت.

هرچند افزایش دستمزد به طوری که بیان گردید ممکن است موجب افزایش هزینه تولید گردد، ولی هرگاه این افزایش بر اساس افزایش بهره‌وری و همزمان با آن انجام پذیرد، نه تنها از آثار منفی آن کاسته خواهد شد، بلکه موجب رونق و رشد اقتصادی می‌گردد.

لذا با توجه به آثار و نتایجی که تعیین حداقل دستمزد بر اقتصاد کشور به جای می‌نهد، باید برای جلوگیری و ممانعت از آثار منفی آن، ضوابط و معیارهایی در نظر گرفته شود تا حتی الامکان از آثار زیان بخش آن بکاهد. در تعیین ضوابط و معیارهای تعیین حداقل مزد، موارد زیر را باید در تصمیم‌سازی مدنظر قرار داد:

۱) رعایت حداقل هزینه زندگی که در مناطق مختلف کشور متفاوت است و باید این تفاوت‌ها در تعیین حداقل دستمزدها رعایت شود.

۲) باید ظرفیت پرداخت کارفرمایان و شرایط بازدهی و ظرفیت هر فعالیت اقتصادی مدنظر قرار گیرد.

۳) در هر رشته، سطح زندگی نسبی با توجه به سطح زندگی دیگر طبقات مزدبگیر در دیگر فعالیت‌های اقتصادی بررسی نشود، خصوصاً آن که این ضابطه مربوط به مواردی است که حداقل مزد برحسب صنایع تعیین می‌گردد.

۴) به هنگام تعیین حداقل مزد باید نرخ رشد جمعیت و بیکاری در میان جوانان نسبت به دیگر گروه‌های سنی آماده برای کار، نسبت جمعیت روستایی به جمعیت شهری، نسبت هزینه‌های زندگی روستایی به

کشور بر جای می‌گذارد.

اهداف تعیین حداقل مزدها

موارد زیر از جمله اهداف تعیین حداقل مزدها می‌باشند:

۱) تأمین امکان حداقل معیشت برای کارگر و خانواده‌اش (به همین دلیل در برخی از کشورها حداقل مزد به مزد معیشتی، تغییر نام یافته است).

۲) نزدیک کردن پایین‌ترین سطوح دستمزدی به سطح عمومی دستمزدها، برای کار مشابه و رفع بی‌عدالتی‌ها

۳) فشار جهت بالا بردن سطح عمومی دستمزدها

۴) استفاده از حداقل دستمزدها به عنوان وسیله و ابزاری برای تعیین سیاست‌های ناظر بر توزیع عادلانه

درآمدها و توسعه عدالت اجتماعی
لذا، هدف از تعیین حداقل دستمزدها، بهبود درآمد مزد بگیران کم درآمد و جلوگیری از بی‌نظمی در افزایش یا کاهش مزدها و سرانجام، نیل به عدالت اجتماعی است.

نتایج و آثار تعیین حداقل مزدها

آثار عمده تعیین حداقل دستمزدها در اقتصاد را می‌توان به صورت زیر برشمرد:

۱) تعیین حداقل دستمزدها بر سطح عمومی مزدها تأثیرگذار است.

۲) افزایش حداقل دستمزد و سایر سطوح دستمزدی بر میزان هزینه تولید اثر نهاده و نهایتاً موجب افزایش قیمت تمام شده می‌شود.

مقایسه نرخ رشد حداقل دستمزد و نرخ تورم

سال	حداقل دستمزد (ریال)	نرخ رشد حداقل دستمزد (درصد)	*تورم (درصد)	**تورم (درصد)	تفاوت نرخ رشد حداقل دستمزد و تورم** (درصد)
۱۳۸۱	۶۹۸,۴۶۰	-	۱۵/۸	۱۶/۳	-
۱۳۸۲	۸۸۰,۰۰۰	۲۶/۰	۱۵/۶	۱۸/۳	+۷/۷
۱۳۸۳	۱,۰۶۰,۰۰۰	۲۰/۵	۱۵/۲	۱۹/۵	+۱/۰
۱۳۸۴	۱,۲۶۶,۰۰۰	۱۹/۴	۱۲/۱	۱۹/۳	+۰/۱
۱۳۸۵	۱,۵۰۰,۰۰۰	۱۸/۵	۱۳/۶	۲۰/۵	-۲/۰
۱۳۸۶	۱,۸۳۰,۰۰۰	۲۲/۰	۲۰/۲	۲۲/۱	-۰/۱

* برآورد دولت

** برآورد هیأت چشم‌انداز ماهنامه «اقتصاد ایران»

فشار تورم بر مزدبگیران

در ۶ سال اخیر حداقل دستمزد به طور متوسط با نرخ حدود ۴/۰۸ درصد کاهش یافته است.

در جدول همراه میزان رشد شاخص قیمت مصرف‌کننده (تورم) در مقایسه با رشد حداقل دستمزد طی دوره ۸۶-۸۱ ارایه شده است.

نتایج نشان می‌دهند که حداقل دستمزد از سال ۸۱ تا ۸۵ با نرخ کاهنده رشد کرده است و تنها در سال ۸۶ این روند معکوس گردیده است.

از طرف دیگر بررسی‌ها حاکی از این مسأله است که حداقل در دو سال اخیر (۸۵-۸۶) نرخ رشد تورم بیشتر از نرخ رشد حداقل دستمزد بوده به نیروی کار کشور وارد می‌نماید.

بازار کار کشور

بیکاران طلبکار

بر اساس پیش‌بینی‌های واحد تحقیقات ماهنامه «اقتصاد ایران»، بازار نیروی کار کشور به سیاست‌های جدی نیاز دارد.



نامطلوب بر نیروی کار می‌شوند و سپس از طریق تأثیر متقابل بر یکدیگر، نابسانانی‌های اقتصادی را تشدید، و مسایل معنوی، فرهنگی و اجتماعی را ایجاد می‌کنند. بر اساس گزارش واحد تحقیقات ماهنامه «اقتصاد ایران»، آمارهای موجود نشانگر این واقعیت است که درآمد خانوارهای کشور - چه در مناطق شهری و چه در مناطق روستایی - به طور فاحشی کمتر از میزان مخارج خانوارها است. به عنوان مثال، در سال ۸۴ (که آخرین سالی است که آمارهای بودجه خانوار در دسترس می‌باشد)، درآمد سالانه یک خانوار شهری برابر ۵۱۷,۶۶ هزار ریال و هزینه همان خانوار معادل ۷۳۵,۶۸ هزار ریال بوده است. به عبارت دیگر، یک خانوار متوسط کمی بیشتر از ۲ میلیون ریال کسری بودجه داشته است. البته گرچه این کسری ناچیز به نظر می‌رسد، ولی چون رقم متوسطی است، اولاً نشان‌دهنده کسری بالاتر و گسترده تری در کل جامعه می‌باشد. بیکاری و عدم کفایت درآمدها مشکلات متعدد اقتصادی - اجتماعی به وجود می‌آورد. ■

بر اساس پیش‌بینی واحد تحقیقات ماهنامه «اقتصاد ایران» نرخ بیکاری در سال ۸۷، به ۱۴/۸ درصد افزایش یافته و حدود دو بیست هزار نفر به خیل بیکاران افزوده می‌شوند. بررسی روند جمعیت گویای این است که طی دوره ۸۵ - ۷۵ به طور متوسط سالانه بیش از ۱/۴ میلیون با متوسط سالانه رشد ۲/۷ درصد، بر جمعیت ده ساله و بیشتر کشور افزوده شده است، اما در سال‌های اخیر با رشد محدودتری مواجه بوده است. پیش‌بینی می‌شود این جمعیت در سال ۸۸ با حدود ۱/۵ درصد رشد در سال ۸۸ به بیش از ۶۲ میلیون نفر افزایش یابد. همچنین نرخ مشارکت نیروی کار از ۳۹/۴ درصد در سال ۸۵ به ۴۱/۷ درصد افزایش می‌یابد.

بر اساس پیش‌بینی‌ها، در سال‌های ۸۶ و ۸۷ به ترتیب ۶۲۶ و ۶۴۵ هزار شغل جدید ایجاد می‌شود ولی با توجه به رشد بیشتر عرضه نیروی کار در مقایسه با رشد تقاضای آن، بر نرخ بیکاری افزوده شده و از ۱۴/۵ درصد در سال ۸۶ به ۱۵/۱ درصد در سال ۸۸ می‌رسد.

بیکاری و درآمد خانوارها

از دیدگاه نیروی انسانی، خانواده، در اقتصاد جامعه، به عنوان کوچکترین واحد تصمیم‌گیرنده اقتصادی و عرضه‌کننده نیروی کار، نقش و اهمیت بسزایی دارد. اگرچه نیروی کار، محور اصلی توسعه است، اما خود تابع عوامل مختلفی است که بر رفتار خانوارها اثر می‌گذارد. از جمله این عوامل می‌توان به ضعف درآمدی، پس‌اندازهای منفی، بیکاری، کاهش قدرت خرید و به طور کلی وضعیت نامطلوب توسعه اقتصادی اشاره کرد که بر روی هم موجب عدم توانایی در تأمین احتیاجات مادی و به جا گذاشتن اثرات

شهری، امکانات اشتغال، میزان ارزش واقعی درآمد خدمات و غیره در نظر گرفته شود.

در کشورمان، به موجب ماده ۴۱ قانون کار، برای تعیین حداقل مزد دو ضابطه پیش‌بینی گردیده است:

(۱) حداقل مزد باید به اندازه‌ای باشد تا زندگی یک خانواده که تعداد متوسط آن توسط مراجع رسمی (در حال حاضر چهار نفر) اعلام می‌شود را تأمین نماید.

(۲) نرخ تورم موجود در کشور که از طریق مراجع ذیصلاح اعلام می‌گردد، مدنظر قرار گیرد.

به موازات، برای تعیین حداقل مزد باید موارد اساسی زیر مورد توجه قرار بگیرند:

(۱) نیاز کارگر و خانواده وی برای برخورداری از حداقل استاندارد زندگی

(۲) امکانات و ظرفیت فعالیت‌های مختلف اقتصادی

(۳) تأثیر حداقل مزد تعیین شده بر رشد اقتصادی کشور، اشتغال و سایر درآمدها

تأکید می‌شود که تعیین سطح یکسان حداقل مزد برای تمام مناطق کشور منطقی نیست و مغایر قانون کار است. باید حداقل مزد بر اساس صنایع و مناطق مختلف کشور تعیین گردد، چنانچه در سال‌های ۱۳۲۸ تا سال ۱۳۴۷ چنین روشی وجود داشته و کشور به سه منطقه تقسیم شده بود.

تورم، قدرت خرید و بهره‌وری

طبیعتاً حداقل مزد از نظر کارگران به عنوان درآمد آنها محسوب می‌گردد، ولی از نظر کارفرمایان به عنوان یکی از هزینه‌های تولید به شمار می‌رود. لذا در سه ماه پایانی هر سال، بحث‌ها و مذاکراتی بین نمایندگان دولت و تشکل‌های کارگری و کارفرمایی آغاز می‌گردد تا رهنمودی در این زمینه به دست آید که ضمن تأمین درآمد کافی برای حداقل معیشت یک خانواده چهار نفری، هزینه نیروی انسانی را آن چنان بالا نبرد که مشکلاتی را برای کارفرمایان و بخش تولیدی اقتصاد به وجود آورد.

برای نیل به اهداف فوق، کارشناسان اقتصاد کار معتقد به وجود عامل مهمی هستند که باید در تعیین دستمزدها مورد توجه قرار گیرد و آن بهره‌وری نیروی کار است. ارتقای بهره‌وری در کار و افزایش کمی و کیفی تولید، آثار منفی، تعیین حداقل مزد و افزایش در سطح دستمزدها را کاهش می‌دهد و در عین حال موجب افزایش تورم نمی‌گردد. امید می‌رود که آغاز بحث و گفت‌وگوهای مربوط به تعیین حداقل مزد برای سال آینده بین تشکل‌های کارفرمایی و کارگری با در نظر گرفتن آثار آن بر اقتصاد کشور، سطح معیشت و زندگی کارگران و روند رشد و توسعه اقتصادی کشور همراه باشد. از سوی دیگر، تورم را که روابط کارگر و کارفرما را به هم می‌پاشد باید از طریق سیاست‌های کلان و انضباط پولی و مالی دولت به حداقل رساند. گفتنی است در این میان، بهره‌وری را نیز نباید فراموش کنیم. ■

گذشته و آینده بیکاری در ایران

سال	اقتصاد ایران				نفر		
	نرخ بیکاری	نرخ مشارکت	نرخ بیکاری	نرخ مشارکت	تقاضا	عرضه	جمعیت ده ساله و بیشتر
۱۳۷۰	۱۱/۱	۳۸/۱	۱۱/۱	۳۸/۱	۱,۶۴۰,۰۹۲	۱۴,۷۴۳,۹۰۴	۳۸,۶۵۵,۰۴۹
۱۳۷۵	۹/۱	۳۵/۳	۹/۱	۳۵/۳	۱,۴۵۵,۶۵۱	۱۴,۵۷۱,۵۷۲	۴۵,۴۰۱,۰۸۳
۱۳۸۵	۱۱/۲	۳۹/۴	۱۲/۸	۳۹/۴	۲,۹۹۲,۲۹۸	۲۰,۴۷۶,۳۹۵	۵۹,۵۲۲,۷۴۷
۱۳۸۶	۱۰/۳	۴۰/۲	۱۴/۵	۴۰/۲	۳,۵۲۱,۴۰۷	۲۰,۷۳۰,۷۰۵	۶۰,۳۶۶,۱۴۲
۱۳۸۷	۹/۴	۴۱/۰	۱۴/۸	۴۱/۰	۳,۷۲۰,۰۰۰	۲۱,۳۵۶,۸۸۰	۶۱,۲۳۳,۷۴۹
۱۳۸۸	۸/۴	۴۱/۷	۱۵/۱	۴۱/۷	۳,۹۲۷,۹۷۱	۲۲,۰۰۱,۹۶۸	۶۲,۱۳۸,۷۹۹

منبع: واحد تحقیقات ماهنامه «اقتصاد ایران».